

An Analysis of the Form of Hindu Temples and the Role of Myth in Shaping the Map and Facade of Temples

Ahmad Heidari¹

Received: 6 September 2021 / Accepted: 25 December 2021

Abstract

India is one of the lands that have been the cradle of many beliefs and religious and philosophical ideas of human societies. Circles and squares are among the basic forms in ancient art and architecture that have been used in the design of Hindu temples. The sacred geometry used in Hindu temples is based on the famous knowledge known as *Vastu Shastra*. The current research was carried out with a descriptive and analytical method, and it aimed to study the knowledge of the sacred art of Mandala and its effect on the formation and expansion of the architectural spaces of Hindu temples. This research came to the conclusion that Hindu temples can be examined from two perspectives. From the first view, temples were studied in terms of infrastructure and the way their maps were executed. From this perspective, the implementation of the instructions of *Vastu Shastra Mandala* was one of the requirements. The second view is in terms of their form and facade decorations. The result of the study showed that the changes applied in the superstructure of the temples were influenced by Indian myths and archetypes and the form and content of this superstructure expressed mythical concepts.

Keywords: Mandala, Mandir, Hindu Temples, Northern Style, Southern Style.

1. Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran (Corresponding Author), ahmad.heidari@iaubir.ac.ir.

© The Author(s) 2022. Published by University of Religions and Denominations Press. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted re-use, distribution and reproduction, provided the original article is properly cited.

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل گیری نقشه و نمای معابد

احمد حیدری*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴]

چکیده

هند یکی از سرزمین‌هایی است که مهد بسیاری از باورها، اندیشه‌های مذهبی و فلسفی جوامع انسانی بوده است. دایره و مربع از جمله فرم‌های بنیادین در هنر و معماری عهد باستان به شمار می‌رود که در طراحی معابد هندو به کار رفته است. هندسه مقدسی که در معابد هندو استفاده شده، بر پایه دانش مشهوری به نام واستوشاستره است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی انجام شده، و هدفش مطالعه دانش هنر مقدس مندله و تأثیر آن در شکل‌گیری و گسترش فضاهای معماری معابد هندو است. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که از دو نظر می‌توان معابد هندو را بررسی کرد. از دیدگاه نخست، معابد از منظر زیرساخت و نحوه اجرای نقشه آنها مطالعه می‌شود که در این منظر، اجرای دستورهای واستوپوروشه مندله از ملزومات آن بوده است. دیدگاه دوم معابد را از لحاظ نما و تزیینات آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. حاصل مطالعه نشان می‌دهد که تحولات اعمال شده در روبنای معابد، متأثر از اساطیر و کهن‌الگوهای هند بوده و فرم و محتوای این روبنا بیانگر مفاهیم اسطوره‌ای است.

کلیدواژه‌ها: مندله، مندر، معابد هندو، سبک شمالی، سبک جنوبی.

مقدمه

هند از جمله معدود سرزمین‌هایی است که در ساخت معابدش، بر اساس دستورهای دینی عمل کرده و تمامی عناصر معابد، از لحاظ فرم، شکل، جانمایی، جهت گسترش بر اساس رهنمون‌های متون مقدس این آیینی به نام وده‌ها (Veda) و مبتنی بر دانش هنر دینی هندو پایه‌ریزی است. معابد هندو، نمونه‌های بی‌نظیری در هماهنگی کاربرد و زیبایی‌شناسی در آثار مذهبی هندو را نشان می‌دهد و روح حاکم بر آنها، ایجاد تعادل و تناسب است.

آیین هندو، که دین اکثریت مردمان این سرزمین را تشکیل می‌دهد، متون مقدس متعددی دارد، مهم‌ترین متون آن عبارت‌اند از وده‌ها، اوپنیشدها (Upaniṣad)، براهمنه‌ها (Brahmana) و متون حماسی مانند مه‌بهاراته (Mahabharata) و راماینه (Ramayana) (Barker, 1969: 59). با توجه به تکرر فرقه‌ها و تنوع اعتقادات و مناسک آیین هندو، برخی از هندشناسان معتقدند نمی‌توان آیین هندو را همچون ادیان دیگر دین واحد و منسجمی تلقی کرد، بلکه در حقیقت مجموعه‌ای است از آداب و رسوم مختلف، که بومی و در شبه‌قاره هند رایج بوده و بنابراین ممکن است به طور کلی بتوان آیین هندو را نوعی روش زندگی دانست (Vardia, 2008: 7).

از بومیان مهم هند، دراویدیان هستند که پوست تیره داشتند و تمدن دره سند را بین ۳۲۵۰ تا ۲۷۵۰ پ.م. ایجاد کردند. خدایان آنها از طبیعت بوده و برخی باورهایشان بعدها در آیین هندو بر جای مانده است. حدود ۱۵۰۰ پ.م. آریایی‌ها با پوست روشن وارد حوزه سند شدند. زبان‌شان وده‌ای بوده، و سانسکریت زبان ادبیات مذهبی‌شان محسوب می‌شده است (Marshall, 1931: 104).

وده‌ها یا متون مقدس هند، در قالب منتره (Mantras) (یا سرودهایی) در چهار مجموعه بزرگ وجود دارند که برترین مجموعه آن ریگ‌وده است. آریایی‌های وده‌ای خدایان طبیعت، ایندرا (باران)، اگنی (آتش) و سوریه (خورشید) را می‌پرستیدند. بسیاری از ساختارهای مراسم مذهبی در هند به طور گسترده‌ای با خواندن منتره توأم بوده است (Staal, 1996: 191-193). در آیین آنها (آریایی‌ها) هیچ پیکره یا بتی پرستیده

نمی‌شد. اما به تدریج باورهای مذهبی دراویدیان را در خود جذب کردند، به گونه‌ای که قربانی کردن، ساخت تمثال و آیین پرستش بر مذهبشان غالب شد (Barker, 1969: 61-62). این نوشته به اهمیت دانش و هندسه مقدس در طرح‌ریزی نقشه و شالوده معابد هندو می‌پردازد و نشان می‌دهد که فرم‌های روبنایی معابد تحت تأثیر اسطوره‌های کهن هندو شکل گرفته است. لذا در صدد پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. اصول و رهنمون‌های معماری معبد هندو چیست و این اصول بر چه مفاهیمی استوار است؟

۲. رابطه هندسه مقدس و هنر چگونه در توسعه و گسترش معابد هندو تأثیر داشته و سیر تحول معابد هندو چگونه بوده است؟

کاربرد و ساختار معبد در آیین هندو

در هند، معابد در همه مکان‌ها، از دهکده‌های کوچک تا کلان‌شهرها یافت می‌شود. در زبان هندی به معبد، «مَندیر» (Mandir) می‌گویند، که از کلمه سَنَسکریت «مَندیره» گرفته شده است. در مناطق مختلف هند با چندین نام به اشکال «کوئیل» (koil) یا «کوویل» (kotvil) در زبان تامیل دَوَسْتَهَنَه (devasthana) استعمال می‌شود (Adiari, 2016: 84-85). معبد در آیین هندو مکانی است که در آن می‌توان حضور خدا را احساس کرد و از طریق مناسک و مراسم است که انسان می‌تواند به بصیرت الاهی دست یابد. زندگی مقدس و دنیوی شخص هندو توأمان است و اغلب، به برنامه‌های روزانه نیاز دارد. ارتباط مکرر با خدا، در معابد کوچک، در خانه و در معابد محلی رخ می‌دهد. به ندرت مدرکی از آزار و اذیت مذهبی در میان فرقه‌های هندو دیده می‌شود، چراکه هندوها معتقدند فرقی مذهبی همگی جنبه‌های الاهی در اشکال مختلف‌اند؛ همانند شیوه، ویشنو و الاهی. این باور، ظاهراً منجر به تساهل و تسامح در میان فرقی مذهبی شده است. از این رو، معبد ماحصل تمایل به فراتر رفتن از جهانی است که ساختار و اصول انسان، اشکال معماری و تزئیناتش و همچنین آیین‌هایی که در آن برگزار می‌شود، همه در جهت آزادی غایی (رستگاری) انسان است (Michell, 1988: 20).

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۳۳

در فرهنگ هندو، معبد نه تنها مکان پرستش است، بلکه مرکزی برای زندگی هنری و خردمندان است (Ibid.: 17). در مجموعه‌ی معبد، مدارس، بیمارستان‌ها و مکان دادرسی برای مردم ساخته می‌شده است. سالن‌های وسیع معبد، مکانی برای خواندن یا گوش دادن به *وده‌ها*، *راماینه* (*Rāmāyana*)، *مهابهارته* (*Mahābhārata*)، بحث‌ها و داستان‌های عامیانه بوده است. موسیقی و رقص، بخش جدایی‌ناپذیر از آیین‌های روزانه است. وجود این فعالیت‌ها به مردم، شناخت بیشتری درباره سنت‌هایشان می‌داد و معابد زمین‌هایی برای کشاورزی داشتند که اجاره می‌دادند و درآمدش خرج نگه‌داری معبد و حمایت از نیازمندان و تأمین مایحتاج آنها می‌شد (Ibid.: 19).

معابد هندو با معابد چینی و بودایی متفاوت است. در زمینه ساختار معماری، بناهای هندوها نقشه منسجمی دارد که منتهی به نقطه کانونی واحدی می‌شوند (Fletcher, 1952: 32). از سوی دیگر، معابد بودایی برای اجتماع و عبادت راهبان طراحی شده است و در طراحی تزیینات و جزئیاتش تأکید بر پنهان یا مخفی کردن شاکله بنا دارند. در حالی که معابد هندو برای عموم مردم ساخته و طراحی شده و به عبارتی، مرکزی برای فراگرفتن دانش، هنر و فرهنگ است. از این‌رو شاکله معابد نمایان و برای رؤیت مردم است، نه صرفاً مختص حضور طبقه روحانی. معابد هندو از خاستگاه اولیه‌اش تا قرن ۱۰ م. میراث غنی سنتی را در سراسر هند و آسیای جنوب شرقی به کار گرفته‌اند (Chandra, 1975: 42). در اواخر نیمه سده ۱۰ م. معابد هندو در شبه‌قاره فرم مشخصی می‌گیرند. فضای معابد، همانند کلیسای سبک گوتیک (دارای نمازخانه، راهرو و ...) شکل یافته و دارای نام‌هایی با منشأ سنسکریت می‌شوند (Vardia & Lourenço, 2013: 172; Hardy, 2007). در مجموع، هنر معبد در هند، یک دیدگاه یا منظر فکری ندارد. بلکه یک صحنه را از منظر تحلیلی و کیفی تجسم و تصویر می‌کند. در این هنر، جزئیات همیشه در مکان خود یافت می‌شوند؛ مطابق با کارکرد خاصشان نمود می‌یابند. کارکرد این جزئیات و ارزش واقعی‌شان، بیش از خود تصاویرشان اهمیت و ارزش دارد. همیشه شیء را در فضایی خاص جست‌وجو، و آن را بازنمایی می‌کند. تصویر جسم را از فضای بیرونی کپی نمی‌کند. در هند، زیبایی‌شناسی به کیفیت، معنویت، زندگی درونی و حالات اندام

(نه حجم) توجه می‌کند. آن را هنر کلاسیک (شستریه کله) (Shastriya kala) می‌گویند که آثار هنری خلق نمی‌کند، بلکه مدل‌های معنوی می‌آفریند که دارای تصاویری هستند که از طریق مراقبه درونی حاصل می‌شوند. این کنش در انسان به حس زیبایی‌شناختی منجر نمی‌شود، بلکه به حس کمال می‌انجامد، نقطه عزیمت صعودی معنوی که بسیار فراتر از هنری بدیهیت است (Dutta & Adane, 2018: 208). در مجموع، لایه‌های متعدد معنا، در متون باستانی هند مانند وده‌ها وجود دارد که فقط در لایه‌های مختلف تفسیرپذیرند (Michell, 1977).

هنرمند هندی هرگز نکوشید از طبیعت کپی کند. بلکه می‌خواست به موازات طبیعت بیافریند، تقلید فقط محدود به فرم‌های ارگانیک، تمایل به زندگی و رشد (توسعه) است. البته هنرمند هندو عاشق کشف فرم‌های جدید و لذت‌های جدید است. در حالی که مستقیماً از اشکالی که در طبیعت خلق شده تقلید نمی‌کند. او حالات موجودات طبیعت را برداشت کرده، با استفاده از فضایی متفاوت، با ایجاد دخل و تصرف در آنها، فرم‌هایی متعدد از پدیده‌های طبیعی خلق می‌کند. بنابراین، به قول الیاده، هنرمند طبیعت را مشاهده نمی‌کند، بلکه آن را درک می‌کند. هر موضوع شمایل‌نگاری، با مراقبه‌ای خاص و تجربه‌ای خاص ارتباط دارد؛ از این‌رو فهم جداگانه خود را دارد. ولی در هر مناسک، با کمک مراقبه و تجربه فرم‌ها تغییر می‌کند و حرکت اندام اصلاح می‌شود (Dutta & Adane, 2018: 214; Eliade, 1985).

فلسفه و منابع مکتوب هندسه مقدس مندله

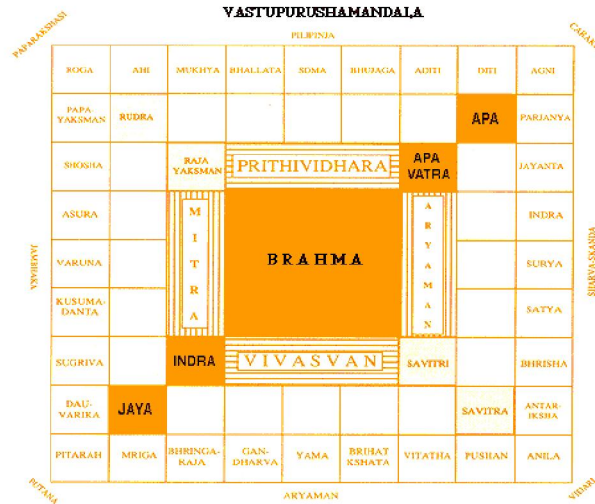
در زمینه قوانین بنیادین معماری و مجسمه‌سازی، دو رساله به زبان سنسکریت به نام‌های شیلیپه شاستره (Shilpa Shastras) و واستو شاستره (Vastu Shastras) وجود دارد (Misra, 2011: 43-54). واستو شاستره درباره قوانین و دستورالعمل‌های ساخت معابد سخن گفته است. ولی شیلیپه شاستره، متونی در باب اصول و معیارهایی (همانند: تناسبات، ترکیب‌بندی و مفاهیم آن) شمایل‌نگاری و مجسمه‌سازی است (Hopkins, 1971: 113). گرچه هر دو متن شیلیپه شاستره و واستو شاستره با یکدیگر مرتبط‌اند، ولی

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۳۵

شیلپا بیشتر به هنرها و صنایع دستی، مانند مجسمه‌سازی، نقاشی دیواری، موسیقی، سفال، جواهرات، منسوجات و ... پرداخته و *واستوشاستره* بیشتر به مباحث معماری ساختمان، ساخت خانه، قلعه، طرح دهکده‌ها و شهرها می‌پردازد (Kumar, 2003).

در هند ساخت معابد بر اساس طرحی گرافیکی است که انرژی‌ها و عناصر طبیعی چهارگانه (هوا، آتش، آب و زمین) هر کدام در بخشی از زمین احاطه دارند و عنصر اثر یا فضا عامل وحدت‌بخش و تعادل انرژی‌ها محسوب می‌شود. عناصر چهارگانه همراه با عنصر اثر وجود نامیرا را تشکیل می‌دهند که همان وجود نامیرای برهما (پرجاپتی یا پوروشه) است که دارای چرخه‌ای زیستی است؛ و مطابق تناسخ، زایش و مرگ دارد. «این پنج عنصر در وجود انسان است، شصت درصد بدن ما از آب است، عنصر خاک در استخوان و مواد معدنی بدن است، بدون هوا تنفس نمی‌توانیم بکنیم و می‌میریم. آتش دستگاه گوارش، خوراک را به انرژی تبدیل می‌کند. این پنج عنصر از لطیف (اثر) تا زمخت (زمین) تقسیم‌بندی می‌شوند» (چاولا، ۱۳۹۰: ۸).

در ساخت معبد، ابتدا «بررسی، تسطیح محوطه از نظر گونه خاک، رنگ، بو، فرم، طعم و صدا با چند آزمایش ساده انجام می‌شود. زمین معبد باید سطحی بالاتر از زمین‌های اطراف داشته باشد. جهت‌گیری، اندازه‌گیری و طرح کلی بر اساس *واستو پوروشه مندله* است. برای تعیین جهت از ابزاری به نام *شَنکویَنترَه* (shanku-yantra)^۲ (به یونانی گنومون (gnomon)^۳) استفاده می‌شود که جهت شرقی غربی دارد و همچنین زمان را مشخص می‌کند (Hardy, 2007; Vardia and Lourenço, 2013: 172).



تصویر ۱- نمودار جدول تقسیم‌بندی پلان گربه‌گریه (حرم یا سلا) معابد هند بر اساس واستوپوروشه مندله، و تعیین جایگاه خدایان در معبد (Chaudhary, 2017: 1153)

نقشه اصلی معبد هندو عبارت است از هندسه مقدسی که در آن معبد به عنوان مندله‌ای بزرگ به صورت مقدس تقسیم می‌شود. مندله شکل مقدسی است که از تقاطع دایره و مربع تشکیل شده است (Kumar, 2003). در مجموع، مندله به معنای دایره و به‌ویژه دایره جادویی است. در سده‌های نخستین، در اروپا نیز، مندله‌های مسیحی بسیار به کار می‌رفت. بیشتر آنها مسیح را در مرکز تصویر با چهار مبشر انجیل‌های چهارگانه یا نمادهای آنان در چهار گوشه اصلی به نمایش می‌گذارند. این مفهوم باید بسیار کهن باشد، زیرا هوروس و چهار پسرش به همین گونه به دست مصری‌ها تصویر شده‌اند. بیشتر مندله‌ها شکل گل، صلیب یا چرخ دارند و گرایش آشکاری به ساختار چهارگوش دارند که یادآور جدول فیثاغورث و عدد پایه است (یونگ، ۱۳۸۳: ۴۴). مرکز مندله باعث ایجاد انرژی و انتشار در دنیای مادی می‌شود. شکل مربع مندله به نحو در خور توجهی بر حفظ تعادل انرژی دلالت دارد (Rian & et al, 2007: 4101).

ساختمان معابد در هند، با طرح واستوپوروشه مندله ساخته می‌شود. فرم مندله در زمین دایره نیست بلکه مربع است. ابتدا زمین معبد که مربع است به مربع‌های $8 \times 8 = 64$ یا $9 \times 9 = 81$ تقسیم می‌شود. مربع مرکزی مختص برهما است (Dokras, 2020: 2). در

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۳۷

اطراف مربع مرکزی، ۱۲ مربع که نشان‌دهنده آدیتی (Aditi)ها (الاهه‌ها) است ترسیم می‌شود (نک: نقشه ۱)، در دایره بیرونی ۲۸ مربع است که متعلق به نکشتره (Nakṣatra)ها است. واستومندله با مرزهایش مکانی برای حرکت خورشید و ماه و سیارات است که با هم سازگارند (Kak, 2002: 13-14).

بر اساس واستو، جهان سرشار از انرژی‌های طبیعی، سودمند و مفید است که انسان باید آن را در اختیار آورد و آنها را متعادل سازد و در این تعادل زندگی کند. بر این اساس، انرژی در جهان از دو منبع اصلی سرچشمه می‌گیرد: ۱. عناصر طبیعی: آتیر، هوا، آتش، آب و خاک؛ ۲. انرژی الکترومغناطیسی زمین که از چرخش زمین به گرد محورش تولید می‌شود (چاولا، ۱۳۹۰: ۱۴). اعتقاد به انرژی و لزوم ایجاد تعادل در ساخت بناها در نخستین تمدن‌ها، به‌خصوص مصر، دیده می‌شود. مصریان باستان اطلاعات بسیار گسترده‌ای درباره مهار امواج انرژی به وسیله هرم داشتند. امروزه انرژی‌های هرم به شکل‌های مختلف و برای مصارف گوناگون به کار می‌رود؛ در بسته‌بندی هرمی شکل مواد غذایی [مانند شیر پاکتی سه‌گوش] در تازگی و افزایش مهلت کالا بسیار مؤثر بوده است. به عبارتی، هدف واستو ارتقای سطح سلامت افرادی است که در ساختمان زندگی می‌کنند. این کنش از راه انتخاب درست زمین و نقشه ساختمانی و ایجاد تعادل در عناصر طبیعی انجام می‌شود (همان: ۱۰).

در دانش واستوپوروشه مندله، باور بر این است که هر بخش از خانه یا مکان سکونت یا معبد، انرژی خاصی دارد. آنها معتقدند «ربع شمال شرقی زمین به عنصر آب مربوط است و بهترین مکان برای قرار گرفتن استخر یا مخزن آب است. ربع جنوب شرقی، متعلق به عنصر آتش است. آشپزخانه، آبدارخانه، آب‌گرمکن در این مکان قرار می‌گیرد. در ربع جنوب غربی، عنصر زمین وجود دارد که در میان عناصر بیشترین پایداری را دارد. در مرکز زمین نیز عنصر آتیر قرار دارد؛ باید خالی، آرام و منظم باشد» (Dokras, 2020: 4-5). آنها معتقدند با نامتعادل‌بودن این عناصر به بیماری مبتلا می‌شوند (چاولا، ۱۳۹۰: ۳۲). به گفته استلا کرامریش،^۴ شکل واقعی و ذات معبد در هند، اقامتگاه و لباس خدا است. سازه، پوشش (کُشه) و بدن است. معبد اثری ظاهری است. حرکت یا

توسعه ممکن است از نقطه مرکزی گریه‌گریه شروع شود و در تمام جهات فضا، به بی‌پندو، حفره بالای معبد و فراتر از آن برسد، یا به عنوان نقطه ابراز یا گفت‌وگو بین بیندو و گریه‌گریه، به معنای محور اتصال این دو موجود محور جهانی در نظر گرفته شود (Kramrisch, 2002: 411).

محراب‌های مقدس

محراب‌های آتش با ۳۶۰ سنگ محصور و احاطه می‌شد؛ از این تعداد ۲۱ سنگ در اطراف محراب زمین، ۷۸ سنگ در اطراف محراب فضا و ۲۶۱ سنگ در اطراف محراب آسمان قرار می‌گرفت. به عبارتی، به زمین، فضا و آسمان به صورت نمادین اعداد ۲۱، ۷۸ و ۲۶۱ اختصاص داده می‌شد. با توجه به دوگانگی زمین / کیهان (آسمان)، عدد زمین ۲۱ و عدد کیهان ۳۳۹ هستند، زیرا کیهان شامل فضا و خود آسمان است. محراب اصلی در پنج لایه و از هزار آجر با اشکال مشخص ساخته می‌شد. ساخت این محراب‌ها به حل چندین مسئله هندسی و جبری نیاز داشت (Kak, 2002: 8-9).

اساس طراحی معبد هندو به اولین دوره [ورود هندواروپایی‌ها در هزاره ۲ پ.م.] باز می‌گردد. رد پای این طرح در آتش محراب‌ها (قربانگاه‌های آتش دوره وده‌ای) شناسایی شده که برای نشان‌دادن دانش نجومی طراحی شده بود (Kak, 2000). نوعی برابری و تعادل میان کیهان خارجی و کیهان درونی که مرکز فهم و شناخت معبد است، فرض شده است. به همین دلیل است که اعدادی مانند ۱۰۸ و ۳۶۰ در طراحی معبد مهم‌اند. عدد ۱۰۸ به ترتیب فاصله زمین تا خورشید و ماه با خورشید و قطر ماه را نشان می‌دهد. همچنین، معتقدند قطر خورشید ۱۰۸ برابر قطر زمین است. اما این واقعیت، به احتمال قوی برای ریشی‌های (فرزانگان) وده‌ای شناخته نشده بود. در کتاب *ناتیه‌شاستره* (Nāṭyaśāstra)، ° تعداد ژست‌های رقص ۱۰۸ عدد ذکر شده؛ همانند تعداد دانه‌های مهره‌های تسبیح (جپه‌مالا) که همین عدد را نشان می‌دهد (Kak, 2002: 1). فاصله بین بدن و خورشید درونی نیز ۱۰۸ در نظر گرفته شده و تعداد مرمه (اتصالات بدن) در آیوروده (Ayurveda) ۱۰۷^۷ است (Kak, 2009: 3-4). عدد ۳۶۰ تعداد روزهای سال عرفی

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۳۹

جامعه است که همین تعداد برای استخوان‌های جنین در حال رشد در نظر گرفته شده است؛ عددی که پس از رشد انسان در بزرگسالی به ۲۰۶ استخوان تبدیل می‌شود. مرکزیت و اهمیت این عدد در مراسم ودهای در کتاب شتپته‌براهمنه (Shatapatha Brahmana)^۱ آمده است (Kak, 2009: 2).

شنس اصل معماری ودهای (آیادی - ساڈورگه) (Aayaadi-Sadvarga)

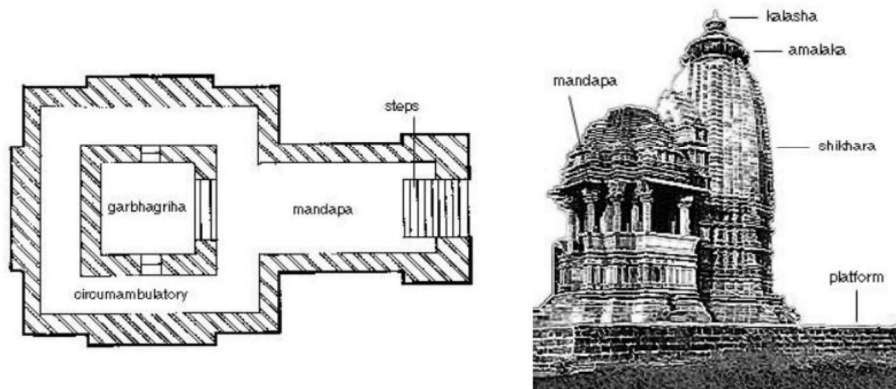
مطابق قانون معماری ودهای، ساختمان ودهای شش قسمت اصلی دارد: ۱. پایه (آدیستانه) (Aadhistaana)؛ ۲. ستون (استمبهه) (Stambha)؛ ۳. پراستره (Prastara)؛ ۴. باند افقی بالای ستون؛ ۵. گوش‌ها یا بال‌ها (کرنه) (Karna)؛ ۶. سیکره (تاق هرمی شکل)؛ ۷. استوپی (Stupi) (تاق گنبدی شکل). بنای معبد در هند حالتی موزون دارد و به مثابه شعر است. بر اساس ضرب‌آهنگ، موقعیت موزون نقشه زمین ساختمان و بخش عمودی آنها گسترش می‌یابند. هر آجر و هر واحد ساختمانی با ریتم اجرا می‌شده است (Patra, 2014: 46).

عناصر تشکیل‌دهنده معابد هندو

به طور کلی، ساختار معابد هندو به شکل منفرد و جدا یا قسمتی پیچیده هستند. ویژگی معابد هندو آن است که منعکس‌کننده سبک‌های معماری بومی، مصالح و مهارت‌های فنی است که در بنا به کار رفته است. اشکال و سبک‌های اصلی معابد هندو در طول سال‌های ۶۰۰-۸۰۰ م. بنیان گذاشته شد. در نیمه سده هفتم م. بود که ساختارهای معابد هندو شکل و انتظام خاص خود را یافت (Fletcher, 1952: 34). در این دوره معابد هندوان به طور کلی دو قسمت دارد؛ قسمت بالا یا سقف آن را «سیکره» گویند و قسمت پایین را «ویمنه» می‌نامند که بخش درونی ویمنه را گربه‌گریه (Sila Cella) یا اتاق درونی) نامیده‌اند (Vardia & Lourenço, 2013: 172; Hardy, 2007).

۱. گربه‌گریه (Garbhagriha): این قسمت از حرم، سیلا یا درون‌خانه معبد محسوب می‌شود. این مکان عمدتاً مربع‌شکل است و درگاهی به سمت شرق دارد. اغلب به شکل ایوان ستوندار یا مندپه ساخته می‌شود. «گربه‌گریه» به معنای اتاق زهدان است. این

مکان، هسته و داخلی‌ترین محوطه معبد است، جایی است که تصویر یا پیکره خدایان در آن قرار می‌گرفته است (نک: تصویر ۲). در بیشتر معابد، بازدیدکنندگان اجازه ورود به این مکان را ندارند و فقط کاهنان، مراسم و عبادت را در آنجا انجام می‌دهند (Vardia & Lournço, 2013: 168; Fletcher, 1952).



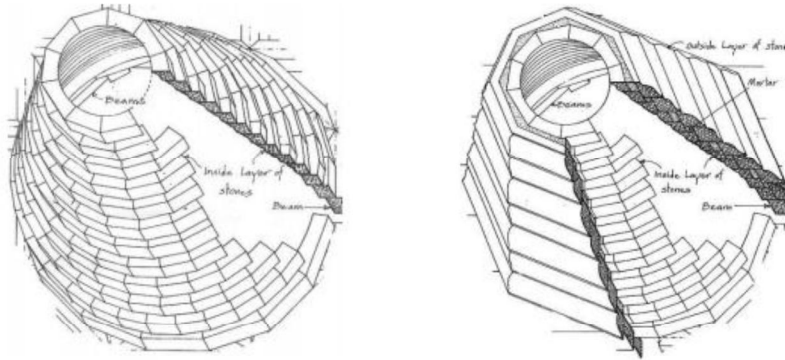
تصویر شماره ۲- نقشه شاخص و ساختار متداول معبد هندو که عناصر مختلف را نشان می‌دهد (Chaudhary, 2017: 1150).

۲. سیکره (sikhara):^۱ بخش فوقانی حرم یا گربه‌گریه را «سیکره» می‌گویند که با یک فرم مارپیچی هرمی شکل یا گنبد سبک عمودی شکل، مسقف می‌شده است (Fletcher, 1952: 77). این بخش هرمی معبد، نمایانگر اسطوره مرو (Meru) است. کوه مرو، که به سومرو و سینرو نیز شناخته شده است، جزء پنج کوه مقدس هندوها، جین‌ها و بودایی‌ها به شمار می‌رفته و مرکز تمام جهان مادی و ماوراءالطبیعه و معنوی در نظر گرفته شده است. بسیاری از معابد بودایی، جین و هندو به شکل نمادی از این کوه ساخته شده‌اند (Gopal, 1990: 78). پایه و اساس ساختار سبک سومیزو (xūmízuò) (تخت سومرو) که از ویژگی‌های مشترک پاگوده‌های چینی است، از این نماد (سیکره) گرفته شده است (نک: تصویر ۳).

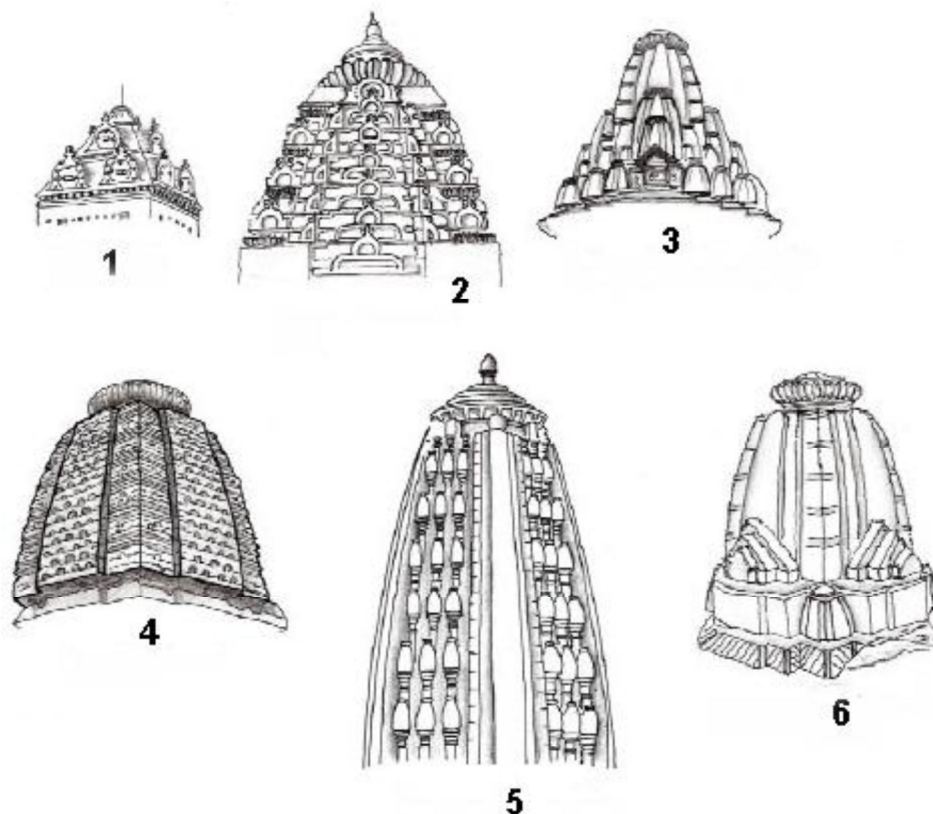
معبد به طور کلی بر روی توده‌ای ستون‌مانند بر پا شده، و اغلب با فضاهای مذهبی فرعی دیگر و با دیواری که دارای برج و دروازه بزرگ (گوپورم) است، محصور می‌شده است. این طرح و جزئیات سیکره و دیگر مکان‌های مذهبی مسقف، ویژگی معماری

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۴۱

هندو را نشان می‌دهد. سیکره در سبک نگره (شمالی هند) ابتدا هرمی شکل بوده، سپس منحنی پیچیده (مخروطی منفرد) و بعد به شکل گونه کتینه (Latina) و در نهایت چندمخروطی ساخته می‌شده است (Vardia, 2008: 14) (نک: تصویر ۴).



تصویر شماره ۳- لایه داخلی و بُرشی که روش چیدمان قطعات سنگ پوسته سیکره را نشان می‌دهد (www.sompura.com)



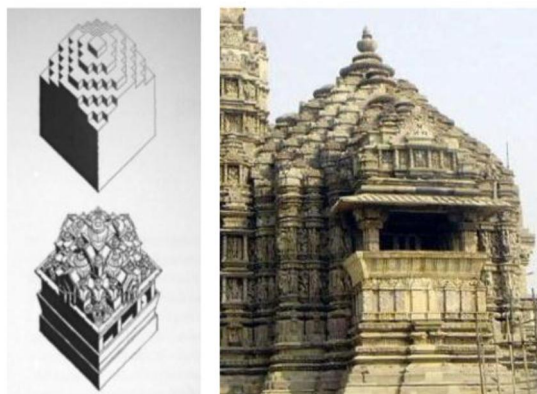
تصویر ۴- تحول سیکره در معابد سبک شمالی هند: ۱. معبدی در گاپ (سده ۵ م.); ۲. معبد در ساتراپده (سده ۷ م.); ۳. کیردو، معبد کوچک شماره ۱ شیوه (سده ۱۱ م.); ۴. معبد شماره ۱، راده (۷۷۵ م.); ۵. معبد منکشواره در جودگه (اواسط سده ۱۲ م.); ۶. حرم مقدس پنجاننگه در مدهره (سده ۱۱ م.) (Hardy, 2012: 119-121; Hardy, 2007)

۳. «پردکشینه پته» (Pradakshina patha) به معنای راهروی طواف است؛ شامل کریدوری است که دورتادور گریه‌گریه (سلا) را احاطه می‌کند. پیروان در این مکان برخلاف عقربه ساعت، برای اجرای مراسم نیایش و نماد احترام به خدای معبد یا الهه دور آن می‌گردند (Fletcher, 1952: 82).

۴. «مندپه» (Mandapa)، تالاری ستوندار است در جلوی گریه‌گریه، که برای اجتماع پیروان ساخته شده است. مکانی است که پیروان در آن، نیایش، مناجات، و مراقبه

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۴۳

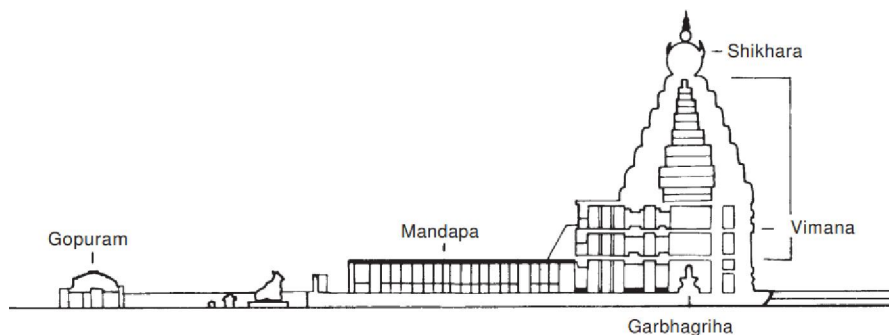
(تفکر) می‌کنند و به تماشای روحانیانی می‌نشینند که در حال انجام دادن مراسم مذهبی‌اند (Orr, 2010: 500). همچنین، به عنوان «ناتامندیره» (Natamandira)، به معنای تالار رقص معبد، شناخته می‌شود، که در ایام قدیم، در آن آیین موسیقی و رقص دایر می‌شده است (نک: تصاویر ۵ و ۶). در برخی معابد قدیمی‌تر، مندپه، مکانی جدا و منفک از معبد یا مکان مذهبی بوده است. بیشتر مندپه‌ها برای فعالیت‌های مختلف، همانند رقص، گردهمایی، غذاخوردن، ازدواج و غیره در نظر گرفته می‌شده است (Fletcher, 1952: 83).



تصویر شماره ۵- ساختار اساسی مندپه‌ی معابد شمال هند؛ نمای مندپه معابد شمال

هند (www.personal.carthage.edu)

۵. «آنترالَه» (Antarala): به معنای هشتی، راهرو یا اتاق میانی است. مکانی که اتاق اصلی معبد را به تالار ستوندار متصل می‌کرده است.
۶. آردَه مندپه (Ardhamandapa): به معنای ایوان جلویی یا ورودی اصلی معبد که به مندپه منتهی می‌شود (Allen, 1991: 127).
۷. گوپورَم یا گوپوره (Gopuram or Gopura): به معنای برج باشکوه و تزیین‌شده در قسمت ورودی معبد (به‌ویژه در معابد جنوب هند) (Ching & et al., 2007: 253, 762).
۸. پیتَه (Pitha): سکوی معبد یا مصطبه‌ای که معبد بر فرازش ساخته می‌شود.
۹. تورانس (Toranas): دروازه معمولی معبد، که بیشتر در معابد شمالی یافت می‌شود.
۱۰. اَمَلکَه (Amalaka): شکل فلوت‌مانندی از سنگ که در رأس سیکره قرار می‌گرفته است (Kramrisch, 1946: 348-356).



تصویر ۶- معابد دراویدیان

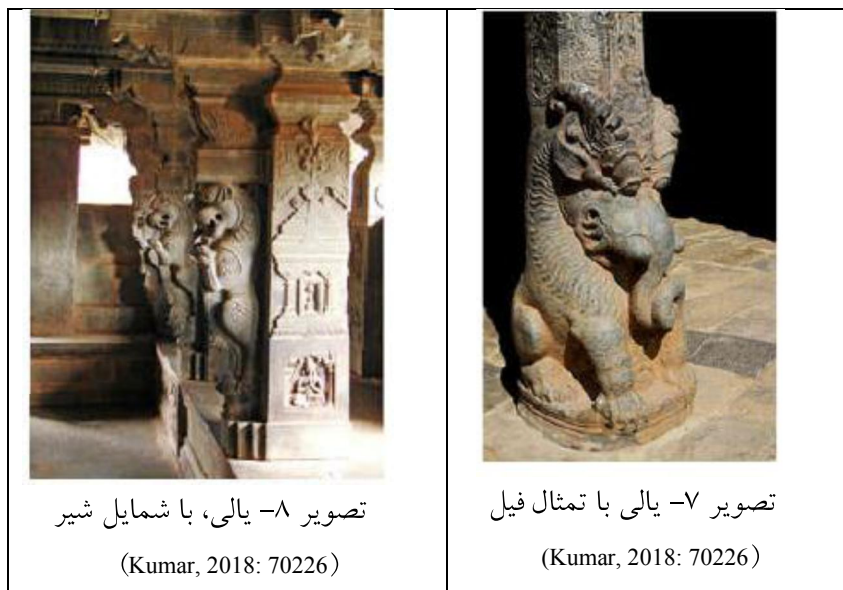
تندیس ستون‌های معابد هندو

به تندیس ستون‌های معابد هند، «یالی» (Yali) یا «ویاله» (Vyala) گفته می‌شود. پیکره‌های یالی، دارای تناسب نامتوازن است و از ترکیب قسمت‌های مختلف حیوانات تشکیل شده است (نک: تصاویر ۷ و ۸). در بالای قرنیز، در ستون و بسیاری بخش‌های معابد، از شمایل یالی یا ویاله استفاده می‌شود (Kumar, 2018: 70223-70224). پیکره‌های ویاله در معابد هند، آشکارا اقتباسی از هخامنشیان بوده است. آثار شمایل ویاله، در معابد قرون وسطای هند دیده می‌شود. سَمَرادگَنَه (Samaradgana Sutradhara) (در سده ۱۱ م.) نام ۱۶ ویاله را ذکر می‌کند. این ویاله‌ها به شکل گوزن، کرکس، طوطی، خروس، شیر، ببر، گرگ، بز، ماده کرگدن، فیل، اسب، بوفالو، سگ، میمون و الاغاند. معتقد بودند که یالی‌ها (ویاله‌ها) قوی‌تر از شیر یا فیل‌اند. وظیفه‌شان تجسم نیروهای طبیعی موجود و رایج است (Ibid.: 70223).

در شمایل‌نگاری و تصویر، یالی (ویاله)، بدنی شبیه گربه ظریف، سر شیر، عاج فیل و دم مار دارد. در برخی از اسطوره‌های آفرینش، گاهی ایستاده بر پشت مکره (Makara) نمایش داده می‌شود. یالی‌ها در برخی از تصاویر به نظر می‌رسد سه‌بعدی نمایش داده می‌شوند. معتقدند تصاویر و شمایل شیر آرام و همچنین شمایلی که بر دیوارهای ورودی معابد به نمایش گذاشته شده، نقش حافظ و نگهبان معابد و راه‌های منتهی به معبد را داشته‌اند. این شمایل معمولاً دارای بدنی از شیر و سر جانور دیگری هستند (Ibid.: 70225).

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۴۵

یالی در سرستون، به شکل بازویی بزرگ نمایش داده شده که حس نگه‌دارنده سقف را بیان می‌کند. یالی در بدنه ستون، موجب احساس آرامش و پشتیبان وزن بصری یا شاید موجب کشش در فضا باشد. یالی در پایه ستون، به عبارتی مفهوم، لنگری محکم که عامل جذب یا انتقال بار مُرده سازه است (Ibid.: 70226).



تکامل سبک‌های معماری

معابد هند با مصالح بوم‌آورد، همانند چوب، گل، گچ، آجر و سنگ ساخته شده‌اند. سازه‌های اولیه از مواد کم‌دوام مانند چوب، آجر و گچ ساخته شده‌اند، از این رو آثار بسیار کمی از آنها بر جا مانده است. برخی از نقوش کنده و نقاشی‌ها نشان می‌دهد که معابد اولیه هندو از چوب و بامبو درست می‌شدند. معابد دوران بعد، به تقلید از معماری قدیمی‌تر و با مصالح سنگ ساخته شده‌اند. از فرم سقف، کنده‌کاری و فرم پنجره‌های معابد سنگی جدیدتر می‌توان متوجه شد که معابد قدیمی‌تر از چوب بوده‌اند و سپس در ادوار بعدی از سنگ ساخته شده‌اند (Michell, 1988: 43).

قدمت ساخت و ساز معابد با سنگ به سده‌های ۲ و ۳ م. برمی‌گردد. در این دوره مکان‌های مذهبی در صخره حجاری می‌شدند و سپس در ساخت معابد با استفاده از

قطعات سنگ گرانیت، مرمر، سنگ صابونی، ماسه‌سنگ و سنگ‌های محلی دیگر ساخته می‌شدند. این سنگ‌ها بیشتر برای مثبت‌کاری و تراش پیکره‌های تزئینی استفاده می‌شد. به دلیل تفاوت‌های گسترده جغرافیایی، آب و هوایی، فرهنگی، نژادی، تاریخی و زبانی بین دشت‌های شمالی و شبه‌جزیره جنوبی هند، سبک‌های متمایز معماری معابد هندو شکل گرفت و توسعه یافت. به طور کلی، بر اساس جغرافیا، معابد هندو به سه ترتیب مختلف طبقه‌بندی شده‌اند: سبک نگرَه (Nagara) (شمالی)، سبک دراویدیان (Dravidian) (جنوبی) و سبک وِسَرَه (Vesara) یا سبک ترکیبی که در دکن مشاهده می‌شود (Vardha, 2008: 16).

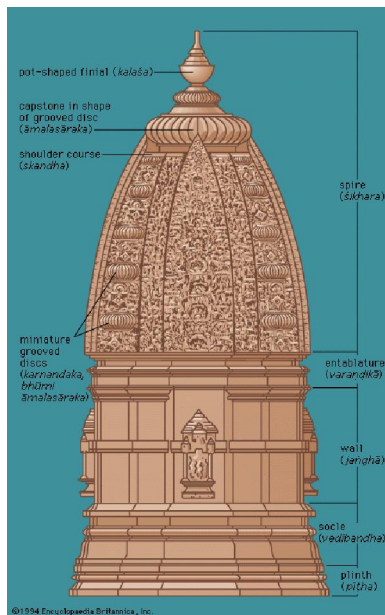
تاریخ سبک معابد شمالی، از دوره گوپته‌ها و جانشینان آنها آغاز شده (سده ۵-۷ م.) و تا چالوکیه (Chalukyas) نخستین (سده ۷ تا ۸ م.)، کلینگه (Kalingas) و گنگ‌های شرقی (سده ۸-۱۳ م.)، پرتیه‌اره و چَندله (The Pratiharas and Chandellas) (سده ۸-۱۱ م.)، میتراکه و سولنکس (the Maitrakas and the Solankis) (سده ۸-۱۳ م.) و راجپوتانه (the Rajputanas) (سده ۸-۱۲ م.) پیش رفته است. معابد هندو در حد واسط قرون وسطایی (سده ۶-۱۳ م.) در مقیاس وسیعی، قابل مقایسه با کلیساهای جامع در قرون وسطای اروپا ساخته شد. معماری معابد هندو با ترکیب و تأثیر هر دو سبک شمالی و جنوبی و به احتمال تحت تأثیر فرهنگی مهاجمانی که از سمت شمال غربی هند وارد می‌شدند، در این دوره به شکل نهایی خود رسیده‌اند (Michell, 1988: 53).

سبک جنوبی، تاریخش با دوره چالوکیه (Chalukyas) نخستین و کالچوری (سده ۶-۸ م.) شروع می‌شود و تا دوره پالاوله (Pallavas) (سده ۷ و ۸ م.)، راشترکوته (Rashtrakutas) (سده ۸-۱۰ م.)، چوله (Cholas) (سده ۱۰-۱۱ م.)، هویسکه (Hoyshalas) و چالوکیه (Chalukyas) (سده ۱۱-۱۴ م.)، ویجینگه و نایکه (The Vijayanagas and the Nayakas) (سده ۱۵-۱۷ م.) ادامه می‌یابد (Brown, 1942).

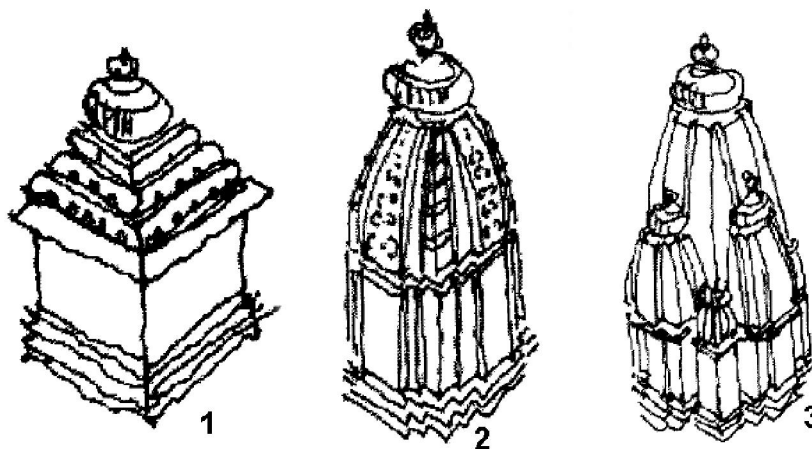
تحولات در معماری معبد

سبک معماری معابد نگره (سبک شمالی)

ویژگی و عناصر شاخص معابد شمال هند، در سده ۵ م. تحت حاکمیت سلسله هندوان گسترش یافت. این معابد شامل همه عناصر اصلی بود؛ همانند گربه‌گریه که با دالان یا کریدوری احاطه می‌شد، و همچنین ایوانی ستوندار به سمت بیرون بنا که دارای سقفی تخت بود. معابد ساخته‌شده در این دوره، در مقایسه با معابدی که در سده‌های ۱۰ تا ۱۳ م. ساخته شده‌اند ساده بودند و شکوه کمتری داشتند (نک: تصاویر ۹ تا ۱۱). برخی از نمونه‌های معابد این دوره در سانچی، تیگاوه و دئوگره (Deogarh) دیده می‌شود. توسعه سیکره، در معبد دئوگره در مدهیرادش شروع شد (Ibid.). معابد ساخته‌شده در قرن ۸ م. مکان‌های مذهبی (زیارتگاه‌های) کوچک‌تری داشتند و سیکره به شکل تاج یا هرم ساخته می‌شد. افزودن مندپه (تالارستوندار) به معابد در این دوره اتفاق افتاد. ویژگی بارز دیگر این دوره، ساخت دیوار مستطیل‌شکل اطراف معابد و افزودن زیارتگاه‌ها یا مکان‌های مذهبی فرعی در اطراف معبد بود. متداول‌ترین نمونه‌های معابد این دوره در اوسین راجستان (Osian Rajasthan) و شاخه‌ای از معابد جین است که بین سده‌های ۸ تا ۱۲ م. در گجرات و راجستان ساخته شده است (Hardy, 2012: 109-110).

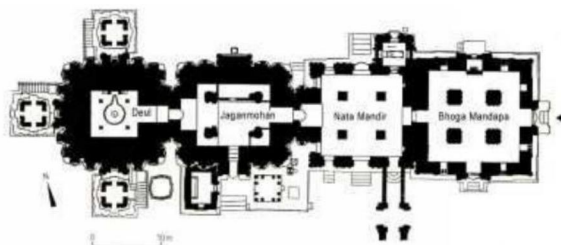


تصویر ۹ - عناصر معماری معبد هندو در سبک شمالی هند (www.britannica.com)



تصویر ۱۰ - انواع سیکره در سبک معابد شمالی هند؛ ۱. سیکره نوع فاماسنه (Phamsana)؛ ۲. نوع کتینه (latina)؛ ۳. نوع سگری (sekhari) یا سیکری (Hardy, 2012:)

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۴۹



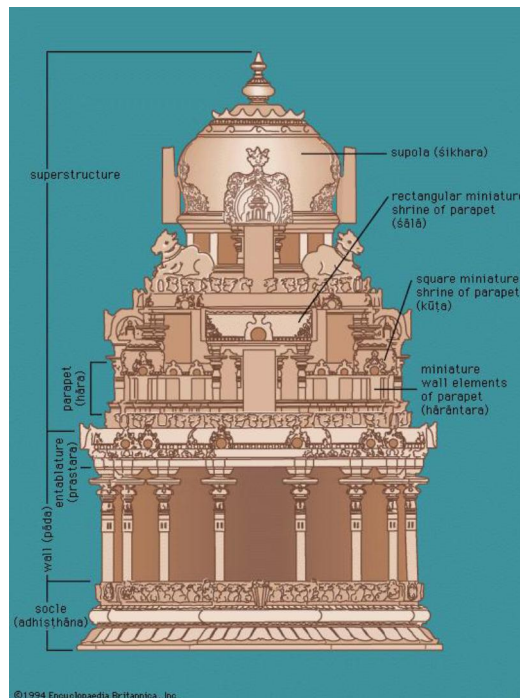
تصویر شماره ۱۱- طرح و نمای معبد لینگره (www.indoarch.org)

معابد تلی‌که (Teli-ka)، گوکیور (Gwalior)، وایتال دئول (Vaital Deul)، بوبانشور (Bhubaneswar) منحصر به فرد بودند و از معماری بودایی نخستین با پلان مستطیل‌شکل، تاق گهواره‌ای (barrel vault roof)، تالار چیتیه (chaitya hall) (سالن خیریه) و گنبد الهام گرفته بودند. به هر حال، این معابد ترکیب‌بندی کاملی از معابد هندو را نشان می‌دهند که فقط شامل حرم (محراب) اصلی (بدون مندپه و ایوان ستوندار) است. این شکل از معماری را معماران در شمال هند منسوخ می‌کنند؛ اما در جنوب هند پذیرفته شده است. سبک معماری خاصی در معابد اوریسه (Orissa) (سده ۷-۱۱) توسعه یافت. منحنی بیضوی سیکره از دوره‌های قدیمی‌تر بود که به شکل برج منشوری عمود و شبیه قله ساخته شد. برای نخستین بار توجه ویژه‌ای به ساخت مندپه شد. سقف مندپه به شکل هرمی و مخروطی در رأس ساخته شد که در مجموع از نظر ابعاد (در رأس) کوچک‌تر از بخش پایین بود. نمونه‌های نفیسی از این معابد در این دوره به نام‌های معبد لینگاراجه (Lingaraja)، بوبانشوار (Bhubaneswar)، جگنت (Jaganath)، پوری (Puri) و معبد خورشید کُنارک، با سیکره به ارتفاع ۴۳ تا ۵۷ متر وجود دارد (Vardia, 2008: 17).

سبک معماری معابد دراویدیان (سبک جنوبی)

توسعه معابد در جنوب هند در دوران حکومت چالوکیه در اوایل سده ۷ م. آغاز شد. این معابد از معماری بودایی الهام گرفته‌اند. معابد در صخره تراشیده شده و زیارتگاه‌ها (مکان‌های مذهبی) دارای ساختارهای پیچیده و بزرگ و پلان مربع‌شکل، ایوانی با ستون‌های مزین و منقوش‌اند. سقف معابد ساختاری کوچک داشته که بعدها به

سیکره تبدیل شده است. کل معبد ساده با حداقل تزئینات است. برخی از نمونه‌های این دوره شامل معبد لَدَکَن (Ladh Khan) و معبد دورگه، در منطقه آیهول است (Hardy, 2007).



تصویر ۱۲- عناصر معماری یک معبد هندو در سبک جنوبی هند (www.britannica.com)

معماری صخره‌ای در دوران حکومت پالاوها (سده ۷-۹ م.) بسیار رواج یافت. فرمانروایان پالاوه، سبک معماری معابد دراویدی را شکل دادند و معابد مَهَبلی پورم را ساختند. در طول دوره فرمانروایی پَندیَه، دروازه‌های بلند (گوپورام) در مدخل به معابد هند جنوبی اضافه شد؛ گوپورم‌ها جذابیت بصری معابد را افزایش دادند و معابد را دارای حصار کردند. گوپورم‌ها دارای قاعده مستطیل، تاق‌های گهواره‌ای و پوشش هرمی شکل هستند (نک: تصویر ۱۲). در سده ۱۱ م. حاکمان چوگه، بلندترین معبد زمان خود به نام معبد بریهَدِشُورَه (Brihadeshvara) (در تانجاور در ایالت تامیل نادو) را به ارتفاع ۶۰ متر ساختند (Hardy, 2012: 112-113). در ادوار بعد، معابد پیچیده‌تر و متکلف‌تر شدند (Vardia, 2008: 19).

نتیجه

هندوها معتقدند فرّق مذهبی، همگی جنبه‌های الاهی در اشکال مختلف‌اند. همین باور است که به تساهل و تسامح در میان فرّق مذهبی انجامیده است. از این‌رو، معبد ماحصل تمایل انسان به نیل به آزادی یا جذب امر مطلق (وجود نامیرا) است. ساختار معابد (فرم، تناسبات و آیین‌هایی که در آن اجرا می‌شود) بیانگر پیوند آشکار تناسبات انسان و خدا (برهما) است. انسان فانی با حضور در معبد و آموزش، برای آزادی غایی (رستگاری) آماده می‌شود. دو آموزه بزرگ آیین هندو، یکی رهایی از آثار کرمه (اعمال انسان) و دیگری مَنتره (سرودهای مذهبی و سحرآمیز) راه رسیدن به رستگاری را برای انسان فراهم می‌کند.

در مجموع، هنرمند در هند، هر صحنه را از منظر تحلیلی و کیفی تجسم و تصویر می‌کند. جزئیات مطابق با کارکرد خاصشان نمود می‌یابند. کارکرد این جزئیات و ارزش واقعی‌شان، بیش از کل تصاویر، اهمیت و ارزش دارد. هنرمند هندی از طبیعت و فرم‌های ارگانیک بهره می‌برد. ولی به گفته الیاده، هنرمند طبیعت را مشاهده نمی‌کند، بلکه آن را درک می‌کند. به عبارتی، او درون پدیده طبیعی را مشاهده و درک می‌کند. تمایل او به نشان‌دادن جزئیات بیشتر از کل آن پدیده بوده، چراکه جزئیات برایش کارکرد داشته و این کارکرد او را به حس کمال می‌رساند. از این‌رو به علت پرداختن بیش از حد به جزئیات، گاه کل تصویر یا شمایل بدهیبت به نظر می‌رسد.

معابد هند مکانی برای حضور مردم و آموزش آداب زندگی و مراسم مذهبی هستند. وجود نامیرا در متون مذهبی هندو به نام برهمن، پرچاپتی و پوروشه مشاهده می‌شود. گاهی اساطیر هند وجود نامیرا را به شکل درختی واژگون (در متون مانند *تهروه‌وده* و *اوپنیشدها*) بیان کرده‌اند. تربیع یا چهار عنصر اصلی یا چهاروجهی بودن از صفات اصلی خداوند و موجود نامیرا در هند است. تمامی ابعاد زندگی اجتماعی (طبقات چهار جامعه)، مذهب و هنرها، به‌خصوص مجسمه‌سازی و نقاشی خدایان با چهار دست، چهار صورت و دیگر عناصر چهارگانه تصویر می‌شود. گرچه فرم اصلی مندلک، دایره است ولی از همپوشانی دوایر است که اشکال چهارضلعی، هشت‌ضلعی و اضلاع

بی‌شمار تشکیل می‌شود. فرم مندله در پلان معابد به شکل مربع نمایان می‌شود. در متون دینی، اصولی به نام واستوپوروشه مندله وجود دارد که راهنمایی‌ها و ملزوماتی برای ساخت معابد و محرابشان مطرح کرده است. این اصول و دستورهای دینی بر پایه حضور خدا یا وجود نامیرا در معبد تعبیه شده است.

فرم و ساختار معبد نیز دارای مبانی اسطوره‌ای است. شکل سیکره شبیه کوه مرو مرکز جهان است. حرکت یا توسعه در بخش فوقانی حرم (گربهگریه یا سلا) با پلان واستوپوروشه مندله، به سمت بالا و سطوح فوقانی که «سیکره» نامیده می‌شود، شروع می‌شود و در تمام جهات فضا، به بیندو (حفره بالای معبد) و فراتر از آن می‌رسد، یا به عنوان نقطه ابراز یا گفت‌وگو بین بیندو و گربهگریه، به معنای محور اتصال این دو موجود محور جهانی در نظر گرفته می‌شود. مهم‌ترین قسمت معبد گربهگریه یا حرم است که با پلان واستوپوروشه مندله طرح‌ریزی می‌شود. توسعه معبد بر اساس تکثیر ابعاد حرم صورت می‌گیرد. سقف بخش‌های مختلف معبد، فرم مشخصی دارد. نما، دیوار و سقف این گونه معابد با نقوش اسطوره‌ای و تاریخی حک و مزین شده است.

بی‌نوشت‌ها

۱. «مَنتره» از دو واژه «مان» (فکر یا متال) + «تره» (پسوند اسم ابزار) گرفته شده و به معنای ابزار یا وسیله فکر است (Staal, 1996: 191). در اصل سرودهایی بوده که در مراسم خاص و برای منظوره‌های مشخص کاهنان ودایی می‌خواندند. بعدها این سرودها به اورادی تبدیل شد که پیشوایان و مرشدهای معنوی برای تمرکز و مراقبه به پیروانشان می‌آموختند. از آنجا که معتقد بودند سرودهای ودایی خواص جادویی دارند مَنتره‌ها تبدیل به اوراد و اصواتی شدند که تأثیرات خارق‌العاده و جادویی دارند (کوماراسومی، ۱۳۸۲: ۲۰۴-۲۰۵).
۲. روشی برای سنجش زمان بر اساس قرارگیری سایه شیء میله‌مانند.
۳. قطعه برجسته روی ساعت آفتابی که زمان را با موقعیت قرارگیری سایه‌اش نشان می‌دهد (Kumar, 2019: ch. 26).
۴. استلا کرامریش (Stella Kramrisch)، محقق بزرگ تاریخ هنر هند، اهل کشور چک (۱۸۹۶-۱۹۹۳) که بیش از شش دهه در زمینه ادیان شبه‌فاره تحقیق و تدریس کرده است.

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۵۳

۵. نام رساله‌ای درباره هنرهای نمایشی سنسکریت که نگارش آن به حکیم بهاراتامونی منسوب شده است.
۶. در آیوروده، واژه «مارمه» (Marma) آمده که از ریشه واژه سنسکریت mri به معنای مرگ است؛ در سنسکریت به معنای پنهان یا مخفی است و به بخش‌هایی از بدن که محل اتصال دو یا چند بافت بوده «مارمه» گفته می‌شده است. مثل عضلات، رگ‌ها، استخوان‌ها یا مفاصل بدن.
۷. آیوروده: متن کلاسیک آجورودا مرتبط به دانش داروشناسی است.
۸. به معنای برهمن در یکصد مسیر است. به عبارتی، مهم‌ترین تفسیر وده‌ها محسوب می‌شود که پدر فلسفه هند، یاجنواوالکیه (Yajnavalkya) نوشته است؛ مطالبی در توصیف ساخت محراب‌های پیچیده آتش، ریشه رابطه فیثاغورث، محاسبه عدد پی، مشاهدات نجومی (فواصل سیارات و مدوربودن زمین).
۹. در سنسکریت kh (ک) تلفظ می‌شود.
۱۰. کلمه‌ای سنسکریت به معنای حیوان دریایی یا تمساح (Apte, 1957: 1218).

منابع

- چاولا، راکش (۱۳۹۰). کتاب کوچک *واستو*، ترجمه: هومن بابک، تهران: لیوسا.
- کوماراسومی، آناندا (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر هند هند*، ترجمه: امیرحسین ذکرگو، تهران: روزنه.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *روان‌شناسی و شرق*، ترجمه: لطیف صدقیانی، تهران: جامی.
- Adirai, G. Ezhil (2016). "Technological Methods in Making Sculptures", in: *Proceedings of the Indian History Congress*, Vol. 77, pp. 84-85.
- Allen, Margaret Prosser (1991). *Ornament in Indian Architecture*, University of Delaware Press.
- Apte, V. S. (1957). "*मकर*". *The Practical Sanskrit-English dictionary (Revised and Enlarged ed.)*. Poona: Prasad Prakashan.
- Barker, L. M. (1969). *Pears Cyclopaedia*, London: Pelham Books Ltd.
- Brown, Percy (1942). *Indian Architecture: Buddhists and Hindu Period*, Bombay: Araporevala & Sons.
- Chandra, P. (ed.) (1975). *Studies in Indian Temple Architecture*, Varanasi: American Institute of Indian Studies.
- Chaudhary, Snigdha (2017). "The Role of Five Elements of Nature in Temple Architecture", in: *International Journal of Scientific & Engineering Research*, Vol. 8, Issue 7, pp. 1149-1162.
- Ching, Francis D. K.; et al. (2007). *A Global History of Architecture*, New York: John Wiley & Sons.
- Dokras, Uday (2020). "Vastu Purusha Mandala of Property", in: *Journal of the Indo Nordic*, vol. 17, pp. 1-28.
- Dutta, Tanisha; Adane, V. S. (2018). "Patterns and Meanings in Indian Temple Architecture", in: *American Journal of Civil Engineering and Architecture*, Vol. 6, No. 5, pp. 206-215.
- Eliade, M. (1985). *Symbolism: The Sacred, and the Arts*, (D. Apostolos-Capadona, Ed.), New York: The Continuum Publishing Company.
- Fletcher, Sir. Banister (1952). *The History of Architecture*, New Delhi: CBS Publishers and Distributors.
- Gopal, Madan (1990). *India through the Ages*, Publication Division, Ministry of Information and Broadcasting, Government of India.
- Hardy, Adam (2007). *The Temple Architecture of India*, Great Britain: iley. Lourenco.
- Hardy, Adam (2012). "Indian Temple Typologies", In: *Glimpses of Indian History and Art Reflections on the Past, Perspectives for the Future*, edited by Tiziana Lorenzetti and Fabio Scialpi, pp. 101-125.

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۵۵

- Hopkins, Thomas J. (1971). *The Hindu Religious Tradition*, Belmont, California: Dickenson Publishing Company.
- Kak, Subhash (2000). *The Astronomical Code of the Rigveda*, New Delhi: Munshiram Manoharlal.
- Kak, Subhash (2004). *Space and Cosmology in the Hindu Temple*, Presented at Vaastu Kaushal: *International Symposium on Science and Technology in Ancient Indian Monuments*, New Delhi, November 16-17.
- Kramrisch, S. (1964). *The Hindu Temple*, Calcutta: University of Calcutta.
- Kumar, Ajita (2019). *The Murder of Alexander the Great Book 2: The Secret War*, Argead Star LLC.
- Kumar, Meenal (2018). "Pillars [stambha]—the Supportive Elements of Hindu Temples", in: *International Journal of Current Research*, Vol. 10, Issue 6, pp. 70223-70228.
- Kumar, N. May (2003). *The Hindu Temple-Where Man Becomes God*, <http://www.exoticindiaart.com>
- Marshall, J. (1931). *Mohenjo Daro and the Indus civilization* (3 volumes). London: Arthur Probsthain.
- Michell, G. (1977). *The Hindu Temple: An Introduction to its Meanings and Forms*, Chicago: University of Chicago Press.
- Michell, G. (1988). *The Hindu Temple: An Introduction to its Meaning and Forms*, Chicago & London: The University of Chicago Press.
- Misra, R. N. (2011). "Silpis in Ancient India: Beyond their Ascribed Locus in Ancient Society", in: *Social Scientist*, Vol. 39, No. 7/8, pp. 43-54.
- Orr, Leslie (2010). *Brill's Encyclopedia of Hinduism*, vol. II, Leiden: Brill, pp. 495-510.
- Patra, Reena Thakur (2014). "Town Planning in Ancient India: In Moral Perspective", in: *The International Journal of Humanities & Social Studies*, Vol. 2, Issue 6, pp. 44-51.
- Rian, I. M.; Park, J.; Ahn, H. U.; Chang, D. (2007). "Fractal Geometry as the Synthesis of Hindu Cosmology in Kandariya Mahadev Temple", *Khajuraho: Building and Environment*, Vol. 42, Issue 12, pp. 4093-4107.
- Smith, W. (1875). *A Dictionary of Greek and Roman Antiquities*, Little Brown Publisher, Harvard University.
- Staal, Frits (1996). *Ritual and Mantras: Rules Without Meaning*, New York: Peter Lang Publishing.
- Vardia, Shweta (2008). *Building Science of Indian Temple Architecture*, Thesis in Universidade do Minho, Portugal.

Vardia, Shweta; Lourenço, Paulo B. (2013). “Building Science of Indian Temple Architecture”,
In: *International Conference, Chennai, India, 13th –16th February 2013*, pp. 167-178.

www.britannica.com

www.indoarch.org

www.personal.carthage.edu

www.sompura.com

References

- Adirai, G. Ezhil. 2016. "Technological Methods in Making Sculptures", in: *Proceedings of the Indian History Congress*, Vol. 77, pp. 84-85.
- Allen, Margaret Prosser. 1991. *Ornament in Indian Architecture*, University of Delaware Press.
- Apte, V. S. 1957. "मकर." *The Practical Sanskrit-English dictionary (Revised and Enlarged ed.)*. Poona: Prasad Prakashan.
- Barker, L. M. 1969. *Pears Cyclopaedia*, London: Pelham Books Ltd.
- Brown, Percy. 1942. *Indian Architecture: Buddhists and Hindu Period*, Bombay: Araporevala & Sons.
- Chandra, P. (ed.) 1975. *Studies in Indian Temple Architecture*, Varanasi: American Institute of Indian Studies.
- Chaudhary, Snigdha. 2017. "The Role of Five Elements of Nature in Temple Architecture", in: *International Journal of Scientific & Engineering Research*, vol. 8, Issue 7, pp. 1149-1162.
- Chawla, Raakesh. 2011. *Ketab Kuchak Wasto (The Little Book on Vaastu)*, Translated by Human Babak, Tehran: Liyusa. [in Farsi]
- Ching, Francis D. K.; et al. 2007. *A Global History of Architecture*, New York: John Wiley & Sons.
- Coomaraswamy, Ananda. 2003. *Moghaddameh-yi bar Honar Hend (Introduction to Indian Art)*, Translated by Amir Hoseyn Zekrgu, Tehran: Aperture. [in Farsi]
- Dokras, Uday. 2020. "Vastu Purusha Mandala of Property", in: *Journal of the Indo Nordic*, vol. 17, pp. 1-28.
- Dutta, Tanisha; Adane, V. S. 2018. "Patterns and Meanings in Indian Temple Architecture", in: *American Journal of Civil Engineering and Architecture*, Vol. 6, No. 5, pp. 206-215.
- Eliade, M. 1985. *Symbolism: The Sacred, and the Arts*, (D. Apostolos-Capadona, Ed.), New York: The Continuum Publishing Company.
- Fletcher, Sir. Banister. 1952. *The History of Architecture*, New Delhi: CBS Publishers and Distributors.
- Gopal, Madan. 1990. *India through the Ages*, Publication Division, Ministry of Information and Broadcasting, Government of India.
- Hardy, Adam. 2007. *The Temple Architecture of India*, Great Britain: iley. Lourenco.

- Hardy, Adam. 2012. "Indian Temple Typologies", in: *Glimpses of Indian History and Art Reflections on the Past, Perspectives for the Future*, edited by Tiziana Lorenzetti and Fabio Scialpi, pp. 101-125.
- Hopkins, Thomas J. 1971. *The Hindu Religious Tradition*, Belmont, California: Dickenson Publishing Company.
- Jung, Carl Gustav. 2004. *Rawanshenasi wa Shargh (Psychology and the East)*, Translated by Latif Sedghiyani, Tehran: Jami. [in Farsi]
- Kak, Subhash. 2000. *The Astronomical Code of the Rigveda*, New Delhi: Munshiram Manoharlal.
- Kak, Subhash. 2004. *Space and Cosmology in the Hindu Temple*, Presented at Vaastu Kaushal: *International Symposium on Science and Technology in Ancient Indian Monuments*, New Delhi, November 16-17.
- Kramrisch, S. 1964. *The Hindu Temple*, Calcutta: University of Calcutta.
- Kumar, Ajita. 2019. *The Murder of Alexander the Great Book 2: The Secret War*, Argead Star LLC.
- Kumar, Meenal. 2018. "Pillars [stambha]—the Supportive Elements of Hindu Temples", in: *International Journal of Current Research*, Vol. 10, Issue 6, pp. 70223-70228.
- Kumar, N. May. 2003. *The Hindu Temple-Where Man Becomes God*, <http://www.exoticindiaart.com>
- Marshall, J. 1931. *Mohenjo Daro and the Indus civilization* (3 volumes). London: Arthur Probsthain.
- Michell, G. 1977. *The Hindu Temple: An Introduction to its Meanings and Forms*, Chicago: University of Chicago Press.
- Michell, G. 1988. *The Hindu Temple: An Introduction to its Meaning and Forms*, Chicago & London: The University of Chicago Press.
- Misra, R. N. 2011. "Silpis in Ancient India: Beyond their Ascribed Locus in Ancient Society", in: *Social Scientist*, vol. 39, No. 7/8, pp. 43-54.
- Orr, Leslie. 2010. *Brill's Encyclopedia of Hinduism*, vol. II, Leiden: Brill, pp. 495-510.
- Patra, Reena Thakur. 2014. "Town Planning in Ancient India: In Moral Perspective", in: *The International Journal of Humanities & Social Studies*, Vol. 2, Issue 6, pp. 44-51.

تحلیلی بر شکل معابد هندو و نقش اسطوره در شکل‌گیری نقشه و نمای معابد / ۲۵۹

Rian, I. M.; Park, J.; Ahn, H. U.; Chang, D. 2007. "Fractal Geometry as the Synthesis of Hindu Cosmology in Kandariya Mahadev Temple", *Khajuraho: Building and Environment*, Vol. 42, Issue 12, pp. 4093-4107.

Smith, W. 1875. *A Dictionary of Greek and Roman Antiquities*, Little Brown Publisher, Harvard University.

Staal, Frits. 1996. *Ritual and Mantras: Rules Without Meaning*, New York: Peter Lang Publishing.

Vardia, Shweta. 2008. *Building Science of Indian Temple Architecture*, Thesis in Universidade do Minho, Portugal.

Vardia, Shweta; Lourenço, Paulo B. 2013. "Building Science of Indian Temple Architecture", in: *International Conference, Chennai, India, 13th –16th February 2013*, pp. 167-178.

www.britannica.com

www.indoarch.org

www.personal.carthage.edu

www.sompura.com